

## متن پرسش

سلام استاد: خسته نباشید. ببخشید که استثنائاً این بار سه مطلب مجزا فرستاده می شود احتمال میدم که ضرورتی درکار هست. اگر هم زودتر تحقیق می کردم شاید ضرورتی برای مطلب اول نمی بود. علی ای حال پیشاپیش از اطلاع کلام پوزش می طلبم ولی احتمال میدم مفید واقع شود و از حضرتعالی تقاضا دارم همه مطلب را مطالعه فرمایید چون به احتمال زیاد مطلب مهمی است: پس از مدتی تفکر عمیق و سرچ در مطالب یک مساله تقریباً برایم روشن شد که احتمال می دهم حکایت از واقعیت می کند یعنی اقرب به واقع است چون مسأله مهم، واقع است ولایعلم الواقعیات الا الله والمعصومین البته این کلام بنده است و حدیث یا چیزی نیست. بنظر می آید حضرتعالی هم در این سایت به نوعی تحت شعاع این واقعیت قرار گرفته اید و لاقلاً تا این الان از متن جوابهایی که می دهید بنظر می آید به این مساله یا علم ندارید یا علم دارید ولی ملتفت نیستید یا ملتفت هستید ولی محتاج تعمق بیشتر هستید و کاربردی کردن آن علی ای حال مهم در علم کشف واقع است و احتمالاً ما با دنیای تر و تمیزی سر و کار داریم که باید مودب و خونسرد بشینیم و قوانین از پیش تعیین شده آن را کشف کنیم: عرضم این است که به نظر می آید واقع این است که حضرتعالی قبل از سوال باید سن سوال کننده را برجسته نمایید که ظاهراً در سایت شما اجمالاً این لحاظ شده ولی بسرعت از آن رد شده اید مرحله یک سن ۱۲ تا ۲۰ مرحله دو ۲۰ تا ۴۰ و مرحله سه ۴۰ تا ۶۰ عنایت شود اینها حدودی و تقریبی است ولی اجمال قضیه این است و داخل اصل بحث نمیشم چون نیاز به تخصص است و تخصص تفصیلی ندارم. بوضوح می بینم این سایت و سایتهای دیگر درگیر با این موضوع است و عزیزان پاسخگو حتی بعضی از بزرگان در این دام می افتند. حق و واقعیت این است که احتمالاً الهیون در این یکی مساله قطعا در سلسله طولی واقعیات زیر مجموعه روان شناسان هستند مثل قبول طبیب برای شفا. شاید حل مشکل به این شکل باشد که پاسخگو باید روانشناس الهی باشد والا اگر از علم روانشناسی کم اطلاع باشد قطعا در دام بی نهایت سوال، سوال کنندگان می افتد. مرحله اول نوجوانی و مرحله سوم و میان سالی مشترک است سوالات حول محور مبدأ و هستی و امثالهم است مرحله دوم این دو نوع سوال رنگ می بازد و حول واقعیات هستی و به عبارتی نوعی معقولیت ذاتی می چرخد لا اقل غالباً. خوب حالا چی می خواهم بگویم: جناب استاد باید عزیزانی که سوال می کنند را با این عبارت مورد خطاب قرار دهند با اختلاف الفاظ و اشتراک معنا برای هر کدام: مرحله اولی ها ۱۲ تا ۲۰: «سوال کننده محترم به پرسشهای در زمینه مبدأ و معاد خیلی خوش آمدید ملتفت باشید این سوالات و احتمالاً شروع صدها سوال دیگر اقتضای ورود شما به این سن است و تا حدود این سن شما درگیر

این سوالات هستند اصلا ناراحت نباشید و یادتان باشد بزودی به ثبات لازم خواهید رسید...» عنایت بفرمایید استاد با این عبارات خطاب جزئی یا کلی مثلا اول سوالات که نوشتید قابل توجه کاربران گرامی اینها را بیاورید. این باعث رنگ باختن همه سوالات و وحشت ناشی از آن است خیلی از سوالات ناشی از وحشت سایه انداختن مرحله است نه نفس سوال با قبول نفس خیلی سوالات و لزوم توجه و پاسخ مستدل و واقعی و با حوصله به آن. مرحله دوم: «پرسشگر گرامی عنایت داشته باشید سوالات حضرتعالی نوعا و غالبا در این سن حول محور مسائل زندگی، زناشویی، عدالت، تحکیم ایمان واقعی، و... می باشد والی آخر» مرحله سوم چهل سال تا تقریبا شصت «پرسشگر گرامی به مرحله سوالات درباره هدف زندگی یا احتمالا بازنگری در مبدا و معاد و سوالات مشابه خیلی خوش آمدید و این را بدانید شروع این سوالات شروع بهار جدید زندگی شماست و منتظر ورود شما به این مرحله بودیم التفات داشته باشید این سوالات و هجوم سوالاتی از این دست اقتضای دوره سن است با حفظ آرامش و طمانینه و مدیریت این مرحله مخصوصا در بدو هجوم این سوالات به سلامت روانی خود کمک کرده و ما را در یاری دادن به شما همراهی کنید و این را بدانید که هیچ مشکلی وجود ندارد و سیستم شما سالم است و ابدای جای نگرانی نیست فقط صبور باشید و از غور در وادی دام این مرحله از سن و سوالات و بحران این دوره پرهیز نمایید.» عنایت بفرمایید استاد با این کار دقیقا بهداشت روانی، اعتقادی و سلامتی سیستم را مورد هدف قرار می دهید و شاید صدها سوال رنگ ببازند. مشکل در سوال و جواب نیست بحث ریشه ای تر است. تعداد بسیاری از عزیزان که باید عمر عزیز را در عبادات و خدمت به خانواده و اجتماع طی کنند وارد این دام این مرحله می شوند باید سریعا یا قبل از آن، آنها را از ویروس های این مرحله واکسینه کرد والا کار کمی سخت شده و باعث استهلاک عصبی می شود.

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در مباحث دینی که ورود ما در آن است، فطرت انسانها مخاطب قرار می گیرد. با توجه به آن مبنا و بستر متذکر نکاتی می شویم که در معارف دینی مطرح است. در این رابطه همه ی انسانها «فطرهم علی التوحید». و این غیر از آن نوع تقسیم بندیها است که مطرح می فرمایید. موفق باشید